

مقایسه تاثیر فرهنگ ملی بر سلامت مالی با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی هافستد در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

فاطمه احمدی

گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
ahmadi.math.59@gmail.com

اعظم شکری چشمه سبزی

استادیار گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران نویسنده مسئول
shokri1551@gmail.com

سید حسین حسینی

استادیار گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
hoseinhoseiny@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی مقایسه تاثیر فرهنگ ملی بر سلامت مالی با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی هافستد^۱ است. برای این منظور از مدل غیرخطی مقطعی حد آستانه‌ای انتقال ملایم (CS-STR) بر اساس داده‌های مقطعی برای ۵۰ کشور در حال توسعه و ۵۸ کشور توسعه یافته در سال ۲۰۲۳ استفاده شد. نتایج برآورد قسمت غیرخطی مدل (رژیم دوم) برای کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد به ازای یک واحد افزایش در فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی، فرد‌گرایی، مرد‌گرایی، جهت‌گیری بلندمدت و اثربخشی قضایی به ترتیب؛ ۰/۱۱، ۰/۰۷، ۰/۰۴، ۰/۰۰۳، ۰/۰۵ و ۰/۰۸ واحد سلامت مالی در کشورهای توسعه یافته افزایش می‌یابد. برای کشورهای در حال توسعه نیز به ازای یک واحد افزایش در اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی، فرد‌گرایی، جهت‌گیری بلندمدت و اثربخشی قضایی به ترتیب؛ ۰/۰۲، ۰/۰۳، ۰/۰۵ و ۰/۰۳ واحد سلامت مالی افزایش یافته است. همچنین فاصله قدرت و بدهی دولت به ترتیب منجر به کاهش ۰/۰۸ و ۰/۰۶ واحد سلامت مالی در کشورهای در حال توسعه می‌شود. در کشورهایی که فاصله قدرت بالاتری دارند، تضاد بین قدرت‌مندان و ناتوانان به وجود می‌آید. در مقابل، جوامعی با فاصله قدرت کمتر، هماهنگ‌تر می‌باشند که میانگین فاصله قدرت برای کشورهای توسعه یافته ۵۴٪ و برای کشورهای در حال توسعه ۷۴٪ می‌باشد. اجتناب از عدم قطعیت از طریق کاهش عدم اطمینان (ابهام) و فرد‌گرایی بالا از طریق مشارکت بیشتر در بازار و اجرای کارآمدتر قرارداد منجر به افزایش سلامت مالی می‌شود. جهت‌گیری بلندمدت بخاطر صرفه‌جویی و جدیت در دستیابی به اهداف فردی و اثربخشی قضایی از طریق تضمین حاکمیت قانون و دسترسی به عدالت منجر به بهبود سلامت مالی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ ملی، سلامت مالی، کشورهای در حال توسعه، کشورهای توسعه یافته، مدل رویکرد آستانه‌ای پانل.

۱- مقدمه

وقتی سخن از توسعه در یک جامعه به میان آورده می‌شود، منظور فراگیری آن توسط تمام آحاد یک جامعه است، توسعه مقوله‌ای کیفی، جامع، چندبعدی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی است که از گذر نوسازی یعنی تغییرات اجتماعی در ایستارها و ساختارهای (اقتصادی- اجتماعی- سیاسی و فرهنگی) یک جامعه ناشی می‌شود (علام و همکاران^۱، ۲۰۲۳؛ ۱۸). شاخص‌های فرهنگی طبق گزارش منتشر شده در سال ۱۹۹۹ در قالب طبقات اصلی ذیل طبقه‌بندی شده است؛ رادیو و تلویزیون، سینما، عکس، ویدئو، نمایش (تئاتر)، موسیقی، ادبیات، معارف، میراث فرهنگی، ورزش، گردشگری، هنرهای تجسمی، محیط‌زیست، بودجه فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور پیشرفت و توسعه، حاصل یک نگرش خاص به عالم است و بدون ایجاد این نگرش خاص، پیشرفت و ترقی ممکن نیست و این نگرش خاص بیانگر لزوم وجود یک (فرهنگ مناسب) برای سلامت مالی جامعه است. بنابراین عامل فرهنگ از جایگاه ویژه‌ای در توسعه برخوردار است. بی‌توجهی و کم‌توجهی به آن تمام برنامه‌های توسعه و سلامت مالی جامعه را با ناکامی مواجه خواهد ساخت (پلیکیناس و همکاران^۲، ۲۰۲۲؛ ۴).

از طرفی مفهوم دیگر سلامت مالی به سلامت مالی دولت‌ها برمی‌گردد. این مفهوم عبارت است از اینکه دولت‌ها، درآمد را چگونه به‌دست آورده و چه سیاست‌هایی برای خرج آنها دارند. در واقع کسری بودجه دولت‌ها یکی از علائم عدم سلامت مالی می‌باشد، دولتی که هزینه‌های بالایی دارد و بدهی آن نیز بالا است، از نظر مالی ناکارآمد بوده و فاقد سلامت مالی است. هم‌چنین می‌توان گفت سلامت مالی یک دولت به توانایی آن در ارائه خدمات کافی برای متعادل کردن تعهدات مالی خود با درآمد موجود اشاره دارد (اوپوکو-اوکوامپا^۳، ۲۰۲۴؛ ۱۲۱). شاید بهترین درک از مفهوم سلامت مالی، ظرفیت دولت برای رفع نیازهای شهروندان و در نظر گرفتن نیازهای آینده آنان باشد. در واقع چهار کارکرد یا بعد برای سلامت مالی وجود دارد: (۱) توانایی دولت برای انجام تعهدات مالی فوری یا کوتاه‌مدت، (۲) توانایی دولت برای انجام تعهدات مالی خود در طول یک سال مالی بودجه‌بندی شده، (۳) توانایی دولت برای انجام تعهدات مالی و تامین مالی بلندمدت آن تعهدات و (۴) توانایی دولت برای تامین مالی برنامه‌ها و خدمات سطح پایه طبق قانون (رحمانیه و همکاران^۴، ۲۰۲۴؛ ۴).

فرهنگ و سلامت مالی کشورها تاثیر متقابلی بر هم دیگر دارند. تجربه اقتصادی کشورهای موفق مانند ژاپن و مالزی در چند دهه اخیر به‌روشنی نقش فرهنگ را در توسعه اقتصادی و مالی نمایان می‌سازد. فرهنگ نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسوم، رفتارها و هنجارهایی هستند که اعضای جامعه در رابطه با یکدیگر به‌کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند. فرهنگ هر کشوری با کشور دیگر متفاوت است، زیرا فرهنگ هر جامعه با توجه به عواملی چون زمان، جغرافیا، تاریخ، مذهب، نژاد، ملیت و مقولات بسیار دیگری در هم می‌آمیزد و همواره در حال تغییر و توسعه است (پوسپاساری و همکاران^۵، ۲۰۲۴؛ ۱۹). اگر بخواهیم رابطه فرهنگ و سلامت مالی جامعه را به شکل دیگری بیان کنیم، شاید بتوان گفت: اولاً، رفتارهای پایدار انسانی اصل و متأثر از فرهنگ است؛ ثانیاً فعالیت‌های اقتصادی و مالی جزئی از رفتارهای اقتصادی انسان است که در مجموعه رفتارهای انسانی طبقه‌بندی می‌شوند و ثالثاً رفتارهای مالی و اقتصادی (غیر از رفتارهای ناپایدار و استدلالی) مبتنی بر فرهنگ است و رفتارهای پایدار خاص، نتیجه فرهنگ خاص است. بنابراین سلامت مالی جامعه نتیجه رفتارهای خاصی است و این رفتارهای خاص، نیز نتیجه فرهنگی خاص بوده و به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت که سلامت مالی جامعه نیز وضعیت فرهنگی خاص خود را می‌طلبد (اسپیگ و همکاران^۶، ۲۰۲۱؛ ۳۲۶).

در دهه‌ی ۱۹۸۰، هم‌زمان با تغییرات اساسی که در رویکردهای جامعه‌شناختی به وجود آمد و انتقاد از وضعیت فرهنگی مدرنیته توسط مکاتبی چون مکتب فرانکفورت صورت گرفت، فرهنگ به‌عنوان یک مفهوم بسیار مهم وارد ادبیات اقتصادی شد. به تبع این تغییر، شاهد چرخش از توجه به نقش اقتصاد در توسعه به نقش فرهنگ هستیم. اهمیت نقش فرهنگ در سلامت مالی جامعه، در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. «در زمان کنونی، فرهنگ قلمرو گسترده‌تری یافته و به سایر عرصه‌های علوم و تکنولوژی خود را رسانده و همراه با آنها، خود را مطرح و حضور و نفوذش را نشان می‌دهد (هیچم خلیف^۷، ۲۰۱۶؛ ۱۸۶). امروز سلامت مالی جامعه با مسائل فرهنگی گره خورده است با توجه به این واقعیت که امور فرهنگی محور و اساس فعالیت‌های اول مختلف قرار گرفته، مراکز مطالعات استراتژیکی توجه ویژه‌ای را به این موضوع معطوف داشته‌اند»

5. Puspasari et al
6. Espig et al
7. Hichem Khelif

1. Amir Allam
2. Plikynas et al
3. Opoku-Okuampa
4. Rahmania et al

و دولت‌های آنها به توسعه باور داشته‌اند، مسیر نیل به توسعه یافتگی برایشان هموارتر شده است. مطابق نظر دادلی سیرز^۴ (۱۹۷۲)، برخی دولت‌ها خود مانع توسعه‌اند و بنابراین قادر نخواهند بود که ارزش‌های لازم برای توسعه سلامت مالی را ارائه نمایند (افقه، ۱۴۰۰؛ ۷۳). داشتن برنامه قوی و جامع، می‌تواند ضمن سرعت‌بخشیدن در رسیدن به اهداف، کاهش هزینه‌ها را به‌دنبال داشته باشد. باتوجه‌به اینکه اقتصاد پدیده‌ای اجتماعی- فرهنگی است، برای تنظیم برنامه‌ی توسعه اقتصادی دقیق و کارآمد، لازم است مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی که در تجزیه و تحلیل آنها به عوامل پیرامونی توجه می‌شود، به عوامل غیراقتصادی توجه نمود. بی‌شک بدون لحاظ تاثیر عوامل پیرامونی در پدیده‌های مورد نظر، تجزیه و تحلیل به نتایج ناصواب منتهی می‌شود. با مطالعه تجارب کشورهای پیشرفته و مرور مطالعات پژوهشی در خصوص توسعه یافتگی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، می‌توان مشاهده نمود که هر چه در اجرای برنامه‌های توسعه جلوتر رفته‌اند، علاوه بر عوامل اقتصادی توجه به دیگر عوامل را ضرورتی مهم یافته‌اند. آلبرت هیرشمن درباره عوامل غیراقتصادی می‌گوید: "اقتصاددانان در سیاست‌گذاری‌های توسعه به‌دنبال افزایش درآمد ملی بودند و این باور را داشتند که اگر درآمد ملی افزایش یابد، بر زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اثرات مفیدی پدید می‌آورد". وی معتقد است: "اقتصاد توسعه، توجه خود را فقط به راهکارهای صرف اقتصادی معطوف کرده است و تحولات اساسی در فرهنگ، اجتماع و سیاست را نادیده انگاشته است. هیرشمن بیان می‌کند، درمان توسعه‌نیافتگی فقط با علم اقتصاد میسر نیست، بلکه نیازمند توجه بر دیگر عوامل غیر اقتصادی می‌باشد" (هیرشمن^۵، ۱۳۶۶؛ ۴۷). برخی از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان توسعه، فقدان سرمایه اجتماعی و توسعه فرهنگی را از علل توسعه نیافتگی کشورهای مختلف دانسته و آن را حلقه مفقوده در برنامه‌های سلامت مالی جامعه می‌دانند. به همین جهت از اساسی‌ترین وظایف نسل جدید اقتصاددانان توسعه ارائه تعریف سرمایه اجتماعی و توسعه فرهنگی است. (میر^۴، ۱۳۸۲؛ ۲۹) بیان می‌کند که برای دستیابی به سرمایه اجتماعی و توسعه فرهنگی لازم است بین اقتصاد توسعه، جامعه‌شناسی و اقتصاد نهادین جدید پیوندهای قوی برقرار گردد. (چو^۵، ۲۰۰۲؛ ۷) در خصوص تاثیر سرمایه اجتماعی و توسعه فرهنگی می‌گوید، سرمایه اجتماعی به طور مستقیم می‌تواند بر افزایش شاخص‌های سلامت مالی موثر باشد.

درواقع انتظار می‌رود که کنترل فساد اداری و سلامت مالی از طریق کانال‌هایی مانند: رقابتی کردن امور جامعه، حق اظهار نظر و انتخاب مدیران ارشد و مسئولان دستگاه اجرایی در کشور، تغییر سیستم مدیریت محور به قانون محور و نظارت مردم بر اعمال دولت و بانک‌ها، انتقال کارای اطلاعات، ایجاد شفافیت و کاهش فساد مالی و اداری، افزایش بهره‌وری، ترویج رقابت و رقابت‌پذیری، محدود شدن بخش غیر رسمی و بسترسازی برای تبلور انگیزه‌های نوآورانه در جامعه، زمینه سلامت مالی را فراهم کنند. فساد مانعی اساسی بر سر راه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد (پوسپاساری و همکاران^۱، ۲۰۲۴؛ ۲۱). گزارش‌های سازمان شفافیت بین‌المللی نشان می‌دهد که کشور توسعه‌نیافته از گستره فساد رنج می‌برند. فساد موجب هدررفت منابع کمیاب، خروج سرمایه از کشور و کاهش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم داخلی، بی‌نظمی و زمینه‌ساز ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی و در نتیجه بی‌ثباتی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اداری است که در نهایت بر سلامت مالی کشورها تاثیرگذار می‌باشد. تجربه‌های به‌دست آمده از کشورهای گوناگون نشان می‌دهد، فساد امری پیچیده، پنهان و متنوع است. از این‌رو، مبارزه با آن نیز باید پیوسته، طولانی و پیچیده باشد. در حقیقت، فساد مالی (در ابعاد اداری و ابعاد دیگر جامعه) مانند عفونت است که اگر به اندام و پیکر جامعه راه یابد، اعضای آن را یکی پس از دیگری عفونی کرده و از کار می‌اندازد و چه‌بسا گسترش این عفونت، سراسر پیکر جامعه را به فساد دچار کند

باتوجه به همین مباحث در مطالعه حاضر به مقایسه تاثیر فرهنگ ملی بر سلامت مالی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پرداخته می‌شود. همچنین در ادامه ساختار مقاله به این‌صورت تنظیم شده است که در بخش دوم مبانی نظری شامل تئوری‌های مطرح و نتایج مطالعات تجربی صورت گرفته در ارتباط با موضوع ارائه شده است. در بخش سوم مدل، روش تحقیق و آزمون‌های مورد استفاده بیان شده است. بخش چهارم نیز به نتایج آزمون‌ها و تخمین مدل اختصاص یافته است. در بخش پنجم خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

انسان همواره به‌دنبال رشد و بالندگی در مسیر زندگی خود بوده و در این مسیر باتوجه‌به عقل و درایت و همتش به کسب توفیقاتی نائل آمده است. بهتر شدن و توسعه یافتگی، هدف گمشده ملت‌ها در هر عصر و زمان است. ملتی که سیاستگذاران

4 . Meier
5 .Chou

1. Puspasari et al
2. Seers
3. Hirschman

بررسی تئوری ابعاد فرهنگی هافستد^۵ بر سلامت مالی جامعه

به طور کلی در حوزه فرهنگ ملی، مدل‌های گوناگونی از سوی اندیش‌مندان مختلف ارائه شده که هر یک از منظر مشخصه‌هایی خاص به بررسی این مقوله کلیدی پرداخته‌اند. یکی از شناخته‌شده‌ترین و کاربردی‌ترین این مدل‌ها، مدل فرهنگی هافستد یا تئوری ابعاد فرهنگی هافستد است. این مدل از چارچوبی با محوریت ارتباطات میان فرهنگی تشکیل شده است. این ابعاد به طور کلی تاثیر فرهنگ موجود در جامعه را بر ارزش‌های اعضای آن جامعه به تصویر می‌کشند. این ابعاد، رابطه بین این ارزش‌ها و رفتار را نیز به کمک ساختاری مبتنی بر تحلیل عاملی توصیف می‌کند (هیچم خلیف، ۲۰۱۶؛ ۱۸۷). به عبارت دیگر، این نظریه جنبه‌های قابل توجهی از فرهنگ را مورد مطالعه قرار داده و بر مبنای سنجشی قیاسی به آنها امتیاز می‌دهد. تا جایی که به کسب و کارهای بین‌المللی مربوط می‌شود، ابعاد فرهنگی جنبه مهمی را تشکیل می‌دهند. آگاهی از شیوه نگرش به ویژگی‌های مختلف کسب و کار در فرهنگ‌های مختلف، می‌تواند در درک و حرکت موفق در بازار بین‌المللی کسب و کار به مدیران کمک کند. هافستد در بررسی ارزش‌های کاری حاکم بر کشورهای مختلف نشان داد که تفاوت‌های موجود در نظام‌های ارزشی کشورهای مختلف را می‌توان بر روی چهار بعد کاملاً مستقل از یکدیگر توصیف نمود. این چهار بعد عبارت‌اند از: فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی، فرد گرایی/ جمع‌گرایی و مرد گرایی/ زن گرایی. البته بعد پنجمی برای مطالعه کشور چین نیز وجود دارد که به نام «پویایی کنفوسیوسی» شناخته شده است که بیانگر جهت‌گیری بلندمدت یا کوتاه‌مدت در زندگی و کار است.

فاصله قدرت

فاصله قدرت با مشکل اساسی نابرابری انسان همراه است. فاصله قدرت «میزانی است که اعضای از نهادها و سازمان‌ها که قدرت کم‌تری دارند، در یک کشور انتظار دارند و می‌پذیرند که قدرت به طور نابرابر توزیع شده است». درحقیقت این فاصله حدی است که اعضای جامعه این واقعیت که قدرت در جامعه به طور نابرابر توزیع شده است را پذیرفته‌اند. در فرهنگ‌هایی که فاصله قدرت کم‌است، به گونه‌ای مساوات و برابری مورد تأیید و صحت قرار گرفته است. درحالی‌که در فرهنگ‌هایی با فاصله قدرت زیاد، سلسله‌مراتب مورد تأکید است و بدین ترتیب روابط بین طبقات

بدین ترتیب، در دو دهه گذشته در حوزه‌های علمی و در سطح سیاست‌گذاری و عملیاتی نگرش سوم توسعه شکل گرفته است که در آن، نهادها و ترتیبات اجتماعی-فرهنگی که مدت‌ها از آن غفلت شده بود و تحت عنوان کلی مفروضات یا شرایط ثابت از آنها یاد می‌شد، مورد توجه قرار گرفت (کوس^۱، ۱۹۹۲؛ ۲۹). انسجام اجتماعی^۲ و توسعه فرهنگی نمودی از مجموعه رفتارهای اجتماعی است که در آن وجود جامعه منسجم، اعتماد و همکاری‌های اجتماعی، نهادهای اجتماعی موثر در کاهش عدم اطمینان و اداره‌کننده تضادهای اجتماعی متجلی می‌شود. در هزاره سوم تعداد زیادی از دانشمندان اقتصادی برای مدون‌سازی دلایل سلامت مالی کشورها به کارکرد نهادهای اجتماعی آنها توجه کرده‌اند. وجود جامعه منسجم، اعتماد و همکاری‌های اجتماعی، نهادهای اجتماعی موثر در کاهش عدم اطمینان و اداره‌کننده تضادهای اجتماعی، همگی امور اجتماعی هستند که اندیشمندان اقتصادی معمولاً آنها را داده شده فرض می‌کنند، در صورتی که در کشورهای در حال توسعه، فقدان آنها کاملاً مشهود است. نتیجه اینکه در شرایط عدم انسجام اجتماعی و نهادهای مناسب در کشورهای مذکور، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی به نتایج مطلوبی نمی‌انجامد. مؤید مطالب ذکر شده گزارش انستیتوی توسعه آلمان می‌باشد. نتیجه مطالعه حاکی است که با وجودی که برنامه‌های سلامت مالی به توسعه کشورها کمک کرده‌اند، اما باعث پراکندگی اجتماعی به دلیل درآمد نابرابر شده‌اند. در نتیجه، توجه جدی به انسجام اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌های اقتصادی را توصیه می‌نماید. برای دستیابی به پیشرفت بیشتر در نتایج اقتصادی و اجتماعی، کشورها باید سیاست‌هایی را در نظر بگیرند که جامعه را در مسیر رسیدن به سطح بالایی از اعتماد، تنوع اجتماعی، فراگیری اجتماعی، همبستگی و کمک‌رسانی تقویت نماید (بوریس و وینوگرادوف^۳، ۲۰۱۸؛ ۴۸۲). جوامع سیاست‌گذار همچنین انسجام اجتماعی را به عنوان عاملی برای بهبود سلامت مالی از همه نوع شناسایی کرده‌اند: صلح پس از درگیری، رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی، هماهنگی فرهنگی در جوامع مختلف و سلامت جمعیت. انسجام اجتماعی ضمن اینکه وسیله‌ای برای توسعه است، یک هدف نیز می‌باشد و بر اساس ترجیحات، تاریخی و فرهنگی یک جامعه شکل می‌گیرد (جنسون^۴، ۲۰۱۹؛ ۷). در ادامه به بررسی رویکردهای مربوط به فرهنگ ملی بر سلامت مالی پرداخته خواهد شد.

4. Jenson
5. Hofstede
6. Hichem Khlif

1. Cose
2. Social Cohesion
3. Borisov & Vinogradov

مردم کاملاً رسمی است. در جوامعی با فاصله قدرت زیاد، قدرت متمرکز، تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی شده‌تر است و اطاعت و انطباق بیشتر از استقلال، ارزش دارد. این وضعیت به طور بالقوه مانع از عملکرد اقتصادی و سلامت مالی کشورها با ممانعت از کارآفرینی، نوآوری و فعالیت پیشگیرانه با تاکید بر انطباق می‌شود (حیدری و همکاران^۱، ۲۰۲۱؛ ۱۹). علاوه بر این، فاصله قدرت به مسایل برابری و اعتماد مربوط می‌شود. در نهایت، در کشورهایی که فاصله قدرت بالاتری دارند، تضاد بین قدرت‌مندان و ناتوانان به وجود می‌آید، زیرا دومی غیرقابل اعتماد و در نتیجه تهدیدی برای اولی تلقی می‌شود (هافستد، ۲۰۰۱؛ ۴۹). در مقابل، جوامعی با فاصله قدرت کمتر، هماهنگ‌تر می‌باشند، زیرا قدرت‌مندان کمتر احساس خطر می‌کنند و آمادگی بیشتری برای اعتماد به دیگران دارند.

موردتوجه قابل‌توجهی قرار گرفته است. تمرکز این بعد روی این پرسش است که آیا مردم ترجیح می‌دهند به حال خود رها شوند یا درون شبکه‌ای با ارتباطات نزدیک قرار بگیرند. در حقیقت فردگرایی به حدی گفته می‌شود که رفتار فردی تحت‌تاثیر رفتار دیگران قرار می‌گیرد. انسان‌های فردگرا خودکفایی را ترجیح می‌دهند درحالی‌که رفتار جمع‌گراها منتسب به روابط با دیگران است و نسبت به گروه تعهد نشان می‌دهند (پوسپاساری و همکاران^۲، ۲۰۲۴؛ ۲۳). علاوه بر تخصیص منابع، چندین مکانیسم دیگر وجود دارد که از طریق آنها فردگرایی توسعه سلامت مالی را ترویج می‌کند. بروئر، ریزنر و سالزمن (۲۰۱۴) فردگرایی را با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد و خوش بینی بیش‌ازحد مرتبط می‌دانند و تاثیر مثبت و معنادار فردگرایی را بر سلامت مالی نشان دادند. آنها همچنین دریافتند که فردگرایی بالا توسعه سلامت مالی را از طریق مشارکت بیشتر در بازار ترویج می‌کند. به طور مشابه، ادبیات بررسی شده نشان می‌دهد که فردگرایی به طور مثبت بر سلامت مالی جامعه با شرطی کردن مستقیم تصمیم‌گیری شرکت‌کنندگان اثر می‌گذارد (اشرف، ژنگ و ارشد، ۲۰۱۶؛ ۱۲)، علاوه بر مکانیسم‌های اولیه، بعد فردگرایی-جمع‌گرایی فرهنگ ملی نیز ممکن است به طور غیرمستقیم بر توسعه سلامت مالی با تاثیر بر محیط سازمانی رسمی و کارایی اجرای قرارداد تاثیر بگذارد. کشورهایی که گرایش بیشتری به فردگرایی دارند، اجرای قرارداد کارآمدتر را ترجیح می‌دهند (کلین و ویلیامسون، ۲۰۱۷؛ ۱۴). فرضیه لایه‌های نهادی بیان می‌کند که فرهنگ، به‌عنوان اولین لایه از نهادهای غیررسمی، تعیین‌کننده توسعه بعدی نهادهای سیاسی است، به این معنی که فرهنگ یک نهاد غیررسمی اساسی است که زیربنای همه نهادهای رسمی است. فردگرایی با حکمرانی بهتر و پاسخگویی دموکراتیک مرتبط است و کارایی اجرای قرارداد و حفاظت از حقوق مالکیت را افزایش می‌دهد. بنابراین، فردگرایی با تاثیرگذاری بر نهادهای سیاسی و ترویج اجرای کارآمد قرارداد بر توسعه بخش سلامت مالی تاثیر می‌گذارد. کیریاکو (۲۰۱۶) نشان داد که فردگرایی کیفیت حکمرانی را تقویت می‌کند و توسعه اقتصادی و سلامت مالی را تحریک می‌کند.

مرد گرایی / زن گرایی

مردخویی نیز یکی از ابعاد اساسی فرهنگ ملی است. باین‌حال، این جنبه از فرهنگ در ادبیات فرهنگ و امور مالی کمتر موردتوجه قرار گرفته است. به گفته هافستد (۲۰۰۱)، مردخویی

مردم کاملاً رسمی است. در جوامعی با فاصله قدرت زیاد، قدرت متمرکز، تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی شده‌تر است و اطاعت و انطباق بیشتر از استقلال، ارزش دارد. این وضعیت به طور بالقوه مانع از عملکرد اقتصادی و سلامت مالی کشورها با ممانعت از کارآفرینی، نوآوری و فعالیت پیشگیرانه با تاکید بر انطباق می‌شود (حیدری و همکاران^۱، ۲۰۲۱؛ ۱۹). علاوه بر این، فاصله قدرت به مسایل برابری و اعتماد مربوط می‌شود. در نهایت، در کشورهایی که فاصله قدرت بالاتری دارند، تضاد بین قدرت‌مندان و ناتوانان به وجود می‌آید، زیرا دومی غیرقابل اعتماد و در نتیجه تهدیدی برای اولی تلقی می‌شود (هافستد، ۲۰۰۱؛ ۴۹). در مقابل، جوامعی با فاصله قدرت کمتر، هماهنگ‌تر می‌باشند، زیرا قدرت‌مندان کمتر احساس خطر می‌کنند و آمادگی بیشتری برای اعتماد به دیگران دارند.

اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی

اجتناب از عدم قطعیت نیز یک بعد اساسی فرهنگ ملی است که تاثیر بالقوه قابل‌توجهی بر سطح سلامت بخش مالی دارد. این بعد میزان تحمل ابهام و عدم اطمینان در مورد آینده ناشناخته را در جامعه می‌سنجد (هافستد، ۱۹۸۰؛ ۶۵). در فرهنگ‌هایی که پرهیز از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی بالاست، مقررات و دستورالعمل‌های از پیش تعیین شده ترجیح داده می‌شوند تا عدم اطمینان را کاهش دهند. درحالی که در فرهنگ‌هایی که پرهیز از عدم اطمینان کمتر است، وجود ابهام بیشتر قابل تحمل‌تر بوده و انعطاف‌پذیری بیشتر ترجیح داده می‌شود. دوتا و موکرچی (۲۰۱۲) استدلال می‌کنند که اجتناب از عدم قطعیت مانع از فعالیت‌ها و نوآوری کارآفرینان می‌شود و به دلیل ریسک‌گریزی در کشورهایی که اجتناب از عدم قطعیت بالا وجود دارد، تقاضا برای عرضه مالی را کاهش می‌دهد. از این‌رو، یک ارتباط منفی بین اجتناب از عدم قطعیت و توسعه سلامت مالی انتظار می‌رود. یافته‌های مختلف نشان می‌دهد که مدیران در کشورهایی که اجتناب از عدم قطعیت بالاتری دارند، تحمل کم‌تری نسبت به عدم اطمینان (ابهام) دارند، که به طور مثبت با سلامت مالی مرتبط است (اسپیگ و همکاران^۲، ۲۰۲۱؛ ۳۲۸).

فرد گرایی-جمع گرایی

فردگرایی نیز بعد اساسی فرهنگ ملی است که بر موفقیت مادی و موفقیت شخصی تاکید دارد و به طور قابل‌توجهی با سلامت مالی مرتبط است. این بعد فرهنگ ملی در ادبیات مالی

آزاد محرک‌های طبیعی و اساسی بشر باز می‌کند که با لذت‌بردن از زندگی مرتبط هستند. کیفیت خویشنداری جامعه‌ای را توصیف می‌کند که ارضای نیازها را متوقف می‌سازد و تلاش می‌کند آن را از طریق هنجارهای دقیق اجتماعی کنترل کند (اسپیگ و همکاران^۳، ۲۰۲۱؛ ۳۲۹).

مبانی نظری اثر شاخص‌های فرهنگی بر سلامت مالی

مبانی نظری اثر شاخص‌های فرهنگی بر سلامت مالی از طریق تابع کاب داگلاس مدل سازی شده است که برای تحلیل نیروی کار، سرمایه فیزیکی و شاخص‌های فرهنگی استفاده می‌شود. این مدل به صورت زیر بیان می‌شود (تین شون لین، ۲۰۰۴؛ ۹):

$$FH_t = AK_t^a L_t^b F_t^d \quad (\text{رابطه ۱})$$

که FH_t ، سلامت مالی، K_t سرمایه فیزیکی، L_t نیروی کار خام، F_t عامل کیفی سرمایه فرهنگی، A عامل برون زای تکنولوژی یا دانش فنی و a و b و d به ترتیب سهم سرمایه فیزیکی، سهم نیروی کار و سهم سرمایه فرهنگی در مسیر سلامت مالی کشورها طی دوره t می‌باشند. با گرفتن لگاریتم از طرفین رابطه فوق می‌توان این تابع را به صورت خطی نوشت:

$$\ln FH_t = \ln A + a \ln K_t + b \ln L_t + d \ln F_t \quad (\text{رابطه ۲})$$

مبنتی بر تحلیل مبانی تئوری ارائه شده و شبیه سازی این مدل، سرمایه فرهنگی را به چند عامل دیگر تفکیک کرده و عوامل مؤثر دیگر در سلامت مالی را نیز، به مدل اضافه می‌کنیم. عمده عواملی که در تشکیل سرمایه فرهنگی تأثیر دارند عبارتند از:

- ۱) فاصله قدرت (در فرهنگ‌هایی با فاصله قدرت زیاد، تضاد بین قدرت‌مندان و ناتوانان به وجود می‌آید و این وضعیت به طور بالقوه مانع از عملکرد اقتصادی و سلامت مالی کشورها می‌شود) و آن را با (H) نشان می‌دهیم.
- ۲) اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی (مدیران در کشورهایی که اجتناب از عدم قطعیت بالاتری دارند، تحمل کم‌تری نسبت به عدم اطمینان (ابهام) دارند، که به طور مثبت با سلامت مالی مرتبط است) و آن را با (CI) نشان می‌دهیم.

به الگوهای نقش جنسیتی غالب، مانند قاطعیت مرد و تربیت زن نسبت داده می‌شود. مردخویی میزان پاداش دادن به ویژگی‌های مردانه رقابت، ابراز وجود و موفقیت در یک جامعه خاص را اندازه‌گیری می‌کند (هافستد، ۱۹۸۰؛ ۶۳). این بعد معرف کیفیت زمینه‌های زندگی است. مردخویی بر اولویت جامعه برای ابراز وجود، قهرمانی، موفقیت و پاداش مادی برای دستیابی به موفقیت دلالت دارد. درحالیکه، زن خویی نشان‌دهنده اولویت فروتنی، همکاری، کیفیت زندگی و مراقبت از ضعیفان است. به عبارتی، در جوامع دارای مردخویی، مردم اعتقاد دارند که موضوع رفاه مادی، امتیازات اجتماعی، دستیابی به قدرت و نفوذ، موفقیت و وجهه اجتماعی به توانایی افراد بستگی دارد.

می‌هت^۱ (۲۰۱۳) استدلال می‌کند که در کشورهای با مردخویی بالا، ارزش بیشتری برای موفقیت، موفقیت مادی و رقابت قائل می‌شود و افراد قوی و موفق بیشتر به رسمیت شناخته می‌شوند، که بر رفتار سلامت مالی تأثیر می‌گذارد و ریسک کم‌تری را باعث می‌شود. از آنجایی که قاطعیت، رقابت و ثروت با ارزش‌تر تلقی می‌شوند، این ویژگی‌ها باعث ایجاد اعتمادبه‌نفس و تمایل به ریسک کردن برای کسب ثروت و موفقیت می‌شوند. شواهد در ادبیات جنسیت و تمایل به ریسک در تصمیم‌گیری مالی نشان می‌دهد که مردان در رفتار ریسک‌جویانه‌تر از زنان هستند.

جهت‌گیری بلندمدت

جهت‌گیری بلندمدت تمایل جامعه را به سمت جستجوی فضیلت توصیف می‌کند. جهت‌گیری کوتاه‌مدت متعلق به جوامعی است که شدیداً به‌سوی استقرار حقیقت مطلق تمایل دارند. در فرهنگ‌هایی که آینده‌نگری مورد تأکید قرار می‌گیرد، صرفه‌جویی و جدیت در دستیابی به اهداف فردی ارزش تلقی می‌شود، زیرا منافع آتی را در نظر دارد. درحالیکه در فرهنگ‌هایی که به افق زمانی کوتاه‌مدت توجه دارند، احترام به سنت و تحقق اهداف اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد (هیچم خلیف^۲، ۲۰۱۶؛ ۱۸۹).

لذت‌جویی در مقابل خویشنداری

لذت‌جویی در مقابل خویشنداری: نیز حول محور درجه کنترل جوامع بر تکانه‌ها و خواسته‌های خود می‌چرخد. در حقیقت بعد لذت‌جویی در مقابل خویشنداری بر سعادت متمرکز است. جامعه‌ای که به لذت‌جویی گرایش دارد، فضا را برای ارضای نسبتاً

3. Espig et al

1. Mihet
2. Hichem Khlif

پیشینه مطالعات:

سونوریس^۲ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای به بررسی فردگرایی، آزادی اقتصادی و توسعه اقتصاد سایه و زیرزمینی پرداخت. در این مطالعه برای درک بهتر رابطه بین نهادهای رسمی، فرهنگ و اندازه اقتصاد سایه و زیرزمینی، این مقاله تأثیر نهادهای طرفدار بازار و فرهنگ‌های فردگرایی و تأثیر متقابل آنها را بر اندازه اقتصاد سایه و زیرزمینی در نظر می‌گیرد. با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۶۴ کشور از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۷، نتایج نشان می‌دهد که کشورهای آزاد اقتصادی که به فردگرایی بر جمع‌گرایی اهمیت می‌دهند، به طور متوسط با اقتصادهای سایه کوچک‌تر مرتبط هستند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهند که فرهنگ‌های فردگرا تأثیر نهادهای رسمی حمایت از بازار را در کاهش اندازه اقتصاد سایه تقویت می‌کنند و بالعکس. از نظر راهنمایی خط مشی، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سیاست‌ها از فرهنگ در ترویج نهادهای طرفدار بازار برای مبارزه با اقتصاد سایه یا انتقال مشارکت کنندگان در سایه به بخش رسمی سود می‌برند.

علام و همکاران^۳ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی فرهنگ ملی و فرار مالیاتی: نقش کیفیت نهادی پرداختند. عبارتی این مطالعه به بررسی نقش کیفیت محیط نهادی (IEQ) در رابطه بین فرهنگ ملی (NC) و فرار مالیاتی (TE) می‌پردازد. تحقیقات قبلی تأثیر مستقیم فرهنگ را بر فرار مالیاتی بررسی کرد، اما مکانیسم‌های بالقوه‌ای را که ممکن است بر این رابطه تأثیر بگذارد، بررسی نکرد. با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و بررسی داده‌های کشورهای اتحادیه اروپا (EU) در دوره ۲۰۰۴-۲۰۱۸، متوجه می‌شویم که کشورهایی که سطوح بالایی از فاصله قدرت، اجتناب از عدم قطعیت، جمع‌گرایی و محدودیت را نشان می‌دهند با سطوح بالاتر فرار مالیاتی مرتبط هستند. نتایج نشان می‌دهد که IEQ یک اثر میانجی بر پیوند NC-TE دارد، و نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران باید بهبود کیفیت نهادهای ملی را برای کاهش تأثیر نامطلوب فرهنگ بر سطوح فرار مالیاتی هدف قرار دهند. به طور خاص، متوجه می‌شویم که حاکمیت قانون، کیفیت نظارتی و اثربخشی دولت، شاخص‌های IEQ هستند که به طور کامل رابطه NC-TE را واسطه می‌کنند. علاوه بر این، تقسیم نمونه به کشورهای قدیمی و جدیدتر اتحادیه اروپا یک اثر میانجیگری جزئی در کشورهای قدیمی اتحادیه اروپا و یک اثر میانجیگری کامل در کشورهای جدیدتر اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد. افزایش IEQ می‌تواند نقش برجسته تری در کشورهای

(۳) فرد گرایی / جمع‌گرایی (فردگرایی با تأثیرگذاری بر نهادهای سیاسی و ترویج اجرای کارآمد قرارداد بر توسعه بخش سلامت مالی تأثیر می‌گذارد) و آن را با (M) نشان می‌دهیم.

(۴) مرد گرایی / زن‌گرایی (در کشورهای با مردخویی بالا، ارزش بیشتری برای موفقیت، موفقیت مادی و رقابت قائل می‌شود و افراد قوی و موفق بیشتر به رسمیت شناخته می‌شوند، که بر رفتار سلامت مالی تأثیر می‌گذارد) و آن را با (G) نشان می‌دهیم.

(۵) جهت‌گیری بلندمدت (جهت‌گیری بلندمدت تمایل جامعه را به سمت جستجوی فضیلت توصیف می‌کند. در فرهنگ‌هایی که آینده‌نگری مورد تأکید قرار می‌گیرد، صرفه‌جویی و جدیت در دستیابی به اهداف فردی ارزش تلقی می‌شود، زیرا منافع آتی را در نظر دارد) و آن را با (D) نشان می‌دهیم.

(۶) لذت‌جویی در مقابل خویشتنداری (کیفیت خویشتنداری جامعه‌ای را توصیف می‌کند که ارضای نیازها را متوقف می‌سازد و تلاش می‌کند آن را از طریق هنجارهای دقیق اجتماعی کنترل کند) و آن را با (P) نشان می‌دهیم.

با توجه به آنچه تاکنون بیان شد و نیز رابطه معرفی شده مدل مذکور را می‌توان به صورت زیر بازنویسی کرد:

$$FH_t = f(K_t, L_t, H_t, CI_t, M_t, G_t, D_t, P_t)$$

(رابطه ۳)

از طرفی در اغلب مطالعات صورت گرفته روابط بین متغیرها به صورت خطی لحاظ می‌شود، در حالی که با فرض خطی بودن رابطه میان متغیرها امکان بروز شکست ساختاری و تغییر رابطه علیت متغیرها در طول زمان نادیده گرفته می‌شود. در واقع وقتی شکست ساختاری در سری‌های زمانی وجود دارد، امکان تغییر پارامترهای مدل در طول دوره مورد بررسی بسیار محتمل هست. با وجود چنین ساختار مالی ناکارآمدی، فرایند سلامت مالی به تأخیر می‌افتد و هزینه استفاده از منابع فرهنگی به شدت افزایش می‌یابد (اوپوکو-اوکوامپا، ۲۰۲۴؛ ۱۲۴). در این شرایط در قالب نظریات ارائه شده تاکنون روش‌ها و ابزارهای مختلفی برای دستیابی به سلامت مالی مطرح گردیده است. یکی از مهمترین این ابزارها توسعه مدل‌های غیرخطی می‌باشد که در مطالعه حاضر با استفاده از مدل غیرخطی مقطعی حد آستانه‌ای انتقال ملایم (CS-STR) به بررسی موضوع حاضر پرداخته می‌شود.

جدیدتر اتحادیه اروپا ایفا کند تا تأثیر مخرب ارزش های فرهنگی بر فرار مالیاتی را کاهش دهد.

پلیکیناس و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان، " تأثیر فرهنگی بر انسجام اجتماعی: رویکرد مدل سازی مبتنی بر عامل" بیان می کنند، فرآیندهای اجتماعی در جوامع چند فرهنگی مدرن مستلزم درک مفهومی بهتری از مکانیسم های تأثیر رویدادهای فرهنگی بر رفاه اجتماعی است. یکی از چالش های مهم در این حوزه تحقیقاتی پیچیده، فقدان مدل های پیش بینی مبتنی بر تجربی است. مقاله حاضر یک رویکرد جایگزین ارائه می کند. یک روش از پایین به بالا (ازکارگزاران تا سیستم های اجتماعی) مدل سازی اینکه چگونه رویدادهای فرهنگی می توانند انسجام اجتماعی را که توسط سرمایه اجتماعی و ویژگی های فرهنگی خوشه بندی احتمالی در جمعیت اندازه گیری می شود، شکل دهند. در این مقاله، بر اساس مشاهدات تجربی قبلی، مدل سازی مبتنی بر عامل پیشنهادی می تواند به درک و تفسیر برخی یافته های تجربی، و پیش بینی نتایج آزمایش های اجتماعی در زندگی واقعی بسیار پرهزینه، کمک کند. برای این منظور، این مقاله یک مدل شبیه سازی مبتنی بر عامل ارائه می کند تا مکانیسم ساده ای را نشان دهد که چگونه رویدادهای فرهنگی می توانند بر پویایی های پیچیده سرمایه اجتماعی تأثیر بگذارند. نتایج شبیه سازی نه تنها اثبات مفهوم را ارائه می کند، بلکه شرایط فرهنگی زیربنایی را برای ظهور الگوهای رفتاری مختلف انسجام یا پراکندگی سرمایه اجتماعی نشان می دهد.

هیچم خلیف^۲ (۲۰۱۶) در مطالعه ای به بررسی ابعاد فرهنگی هافستد در تحقیقات حسابداری پرداخت. این مقاله چهار موضوع اصلی تحقیق حسابداری را شناسایی می کند که عبارتند از: سیاست گزارشگری، حسابرسی، مالیات و حسابداری متفرقه. این مطالعات از سه روش اصلی شامل تجربی، آزمایشی و متاآنالیز استفاده می کنند. بررسی نشان می دهد که فردگرایی به طور مثبت با سیاست گزارش دهی شرکتی مرتبط است، در حالی که با سطوح پایین فرار مالیاتی همراه است. سطوح بالای مردانگی عموماً با محیط های افشای کم و دستکاری های حسابداری تهاجمی مرتبط است. در نهایت، جهت گیری بلندمدت با توجه به افشای محیطی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است و یافته ها از ارتباط مثبت بین هر دو متغیر حمایت می کنند.

مسی نژاد، (۱۴۰۰)، در مطالعه ای با عنوان، سندروم های سیاست گذاری توسعه اقتصادی در ایران، نتایج زیر را ارائه می دهد. سندروم های توسعه، مجموعه های تکرار شونده

چالش ساز سیاست گذاری اقتصادی هر کشور بوده و به مفهوم آن است که اقتصاد سیاسی هر کشور با برخی از چالش های حل نشده همراه است. بحران توسعه، سندروم های خاص خود را داشته و این امر چالش هایی را برای اقتصاد، سیاست و ساخت اجتماعی کشورها به وجود می آورد. یافته ها نشان می دهد که سندروم های سیاست گذاری توسعه اقتصادی ایران در قیل و بعد از انقلاب دارای نشانه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ساختاری بوده و تحت تأثیر عملکرد اقتصادی و نظام سیاسی ظهور و گسترش یافته اند.

محمدی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به مقایسه نظرات اندیشمندان و صاحب نظران اجتماعی، سیاسی و مردم استان کردستان در مورد توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات در سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷ پرداخته اند. یافته های پژوهش را به شرح زیر گزارش داده اند. بیشتر پست های کلان مدیریتی در ایران انحصاری و در اختیار گروهی خاص می باشند. سرمایه گذاری در استان کردستان کم بوده و دولت اقدامات لازم را در این زمینه انجام نداده است. فرصت های نابرابر در دستیابی به مشاغل دولتی تأثیر معناداری بر توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات در استان کردستان داشته اند.

عرب پور و مهدی زاده، (۱۳۹۹)، در مقاله ای پژوهشی با عنوان، فراتحلیل مطالعات نظم و انسجام اجتماعی در ایران، با هدف مطالعه تشخیصی از وضعیت تولید علمی مقالات درباره انسجام و همبستگی اجتماعی، جمع بندی تحلیلی و همچنین ارائه تحلیل جامعه شناسانه از اهمیت موضوع انسجام و همبستگی اجتماعی برای نهادهای برنامه ریز اجتماعی و سیاسی پرداخته اند. با بررسی ۵۵ مقاله فارسی مرتبط با موضوع انسجام و همبستگی اجتماعی در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷، به این نتیجه رسیده اند که فقدان تعریف واحد و مورد توافق بین محققان منجر به تعاریف چندگانه بر اساس جهت گیری فرد محقق و ایدئولوژی شده است. و از سوی دیگر ماهیت چندبعدی و چندسطحی انسجام منجر به سطوح تحلیل متفاوت از موضوع و گاهی تقلیل گرایی از سوی پژوهشگران گردیده است.

با نگاهی به مطالعات انجام شده در داخل کشور، قابل مشاهده است که تحقیقات گوناگونی در خصوص عوامل اثرگذار بر سلامت مالی صورت گرفته است، ولی نوآوری مطالعه حاضر، مقایسه تأثیر فرهنگ ملی بر سلامت مالی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است، که با توجه به شرایط اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، بررسی موضوع حاضر

می‌تواند شکاف مطالعات قبلی در این حوزه را به خوبی نشان دهد.

تصریح الگو و معرفی متغیرها

هدف این مطالعه با پیروی از مطالعات سونوریس^۱ (۲۰۲۴)، علام و همکاران^۲ (۲۰۲۳)؛ پلینکیناس و همکاران^۳ (۲۰۲۲) و هیچم خلیف^۴ (۲۰۱۶)؛ مقایسه تاثیر فرهنگ ملی بر سلامت مالی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است. شکل عمومی مدل مقطعی حد آستانه‌ای انتقال ملایم (CS-STR)، با توجه به این که متغیر وابسته سلامت مالی و متغیرهای توضیحی؛ زیربخش‌های فرهنگ ملی است، به صورت زیر می‌باشد:

$$FH_{2t} = \alpha_0 + \beta_1 PD_t + \beta_2 JE_t + \beta_3 H_t + \beta_4 CI_t + \beta_5 M_t + \beta_6 G_t + \beta_7 D_t + \beta_8 P_t * (\theta_1 PD_t + \theta_2 JE_t + \theta_3 H_t + \theta_4 CI_t + \theta_5 M_t + \theta_6 G_t + \theta_7 D_t + \theta_8 P_t) F(S_t, \gamma, c) + u_t$$

که در آن تابع گذار F برابر است با:

$$F(\gamma, s_t, c) = (1 + PD\{-\gamma(s_t - c)\})^{-1}, \quad \gamma > 0$$

که در معادلات بالا:

FH: سلامت مالی^۵، سلامت مالی به مفهوم توان سودآوری و تداوم فعالیت واحد اقتصادی می‌باشد. این مفهوم عبارت است از اینکه دولت‌ها درآمد را چگونه به دست آورده و چه سیاست‌هایی برای خرج آنها دارند. H: فاصله قدرت^۶؛ فاصله قدرت با مشکل اساسی نابرابری انسان همراه است. فاصله قدرت «میزانی است که اعضای از نهادها و سازمان‌ها که قدرت کم‌تری دارند، در یک کشور انتظار دارند و می‌پذیرند که قدرت به طور نابرابر توزیع شده است». CI: اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی^۷؛ یک بعد اساسی فرهنگ ملی است که تاثیر بالقوه قابل توجهی بر سطح توسعه سلامت مالی دارد. این بعد میزان تحمل ابهام و عدم اطمینان در مورد آینده ناشناخته را در جامعه می‌سنجد. M: فرد گرایی/ جمع‌گرایی^۸، تمرکز این بعد روی این پرسش است که آیا مردم ترجیح می‌دهند به حال خود رها شوند یا درون شبکه‌ای با ارتباطات نزدیک قرار بگیرند. در حقیقت به حدی گفته می‌شود که رفتار فردی تحت تاثیر رفتار دیگران قرار می‌گیرد. G: مرد گرایی^۹/ زن‌گرایی، این بعد معرف کیفیت زمینه‌های زندگی است.

مردخویی بر اولویت جامعه برای ابراز وجود، قهرمانی، موفقیت و پاداش مادی برای دستیابی به موفقیت دلالت دارد. در حالیکه، زن خویی نشان‌دهنده اولویت فروتنی، همکاری، کیفیت زندگی و مراقبت از ضعف‌هاست. به عبارتی، در جوامع دارای مردخویی، مردم اعتقاد دارند که موضوع رفاه مادی، امتیازات اجتماعی، دستیابی به قدرت و نفوذ، موفقیت و وجهه اجتماعی به توانایی افراد بستگی دارد. D: جهت‌گیری بلندمدت^{۱۰}؛ جهت‌گیری بلندمدت تمایل جامعه را به سمت جستجوی فضیلت توصیف می‌کند. جهت‌گیری کوتاه‌مدت متعلق به جوامعی است که شدیداً به سوی استقرار حقیقت مطلق تمایل دارند. در فرهنگ‌هایی که آینده‌نگری مورد تاکید قرار می‌گیرد، صرفه‌جویی و جدیت در دستیابی به اهداف فردی ارزش تلقی می‌شود، زیرا منافع آتی را در نظر دارد. P: لذت‌جویی در مقابل خویش‌داری^{۱۱}؛ این بعد حول محور درجه کنترل جوامع بر تکنه‌ها و خواسته‌های خود می‌چرخد. در حقیقت بعد لذت‌جویی در مقابل خویش‌داری بر سعادت متمرکز است. جامعه‌ای که به لذت‌جویی گرایش دارد، فضا را برای ارضای نسبتاً آزاد محرک‌های طبیعی و اساسی بشر باز می‌کند که با لذت‌بردن از زندگی مرتبط هستند. کیفیت خویش‌داری جامعه‌ای را توصیف می‌کند که ارضای نیازها را متوقف می‌سازد و تلاش می‌کند آن را از طریق هنجارهای دقیق اجتماعی کنترل کند. PD: بدهی دولت^{۱۲}؛ بدهی دولت (که همچنین تحت عنوان بدهی عمومی یا بدهی ملی) شناخته می‌شود به نوعی از قرض گفته می‌شود که توسط دولت مرکزی گرفته شده است. در دولت‌های فدرال، «بدهی دولتی» ممکن است به بدهی‌های ایالت‌ها، شهرها یا دولت‌های محلی نیز اطلاق شود. در مقابل این واژه، واژه «کسری بودجه» قرار دارد که به مقایسه وصول‌های یک حکومت در برابر مصارف سالانه آن می‌پردازد. JE: اثربخشی قضایی^{۱۳}؛ شاخص اثربخشی قضایی، اثربخشی و کارایی سیستم قضایی را در تضمین حاکمیت قانون و دسترسی به عدالت ارزیابی می‌کند. عواملی مانند کارآمدی فرآیندهای دادگاه، استقلال قوه قضائیه و اجرای قراردادها را در نظر می‌گیرد.

به منظور بررسی ویژگی‌های مدل CS-STR با تابع انتقال لاجستیک بر اساس مدل ون‌دیک^{۱۴} (۱۹۹۹)، فرض می‌شود، متغیر وابسته‌ی FH تنها تابعی از مقادیر وقفه‌دار خودش باشد.

8. individualism

9. masculinity

10. Long term Orientation

11. indulgence

12. Public Debt (% of GDP)

13. judicial effectiveness index

14. Van Dijk

1. James W. Saunoris

2. Amir Allam

3. Plikynas et al

4. Hichem Khlif

5. Financial health

6. Power Distance

7. Uncertainty Avoidance

بنگلادش، بلاروس، بولیوی، بوسنی و هرزگوین، اندونزی، کلمبیا، کامرون، اکوادور، مصر، اتیوپی، فیجی، غنا، گواتمالا، هندوراس، هند، ایران، اردن، جامائیکا، کنیا، لبنان، لیبی، مراکش، موزامبیک، نامیبیا، نپال، پاکستان، نیجریه، سنگال، سومالی، سودان، آفریقای جنوبی، تایلند، سوریه، تاجیکستان، تونس، ویتنام، زامبیا، مالاوی، موریتانی، مولداوی، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، اوکراین با استفاده از مدل رگرسیون مقطعی انتقال ملایم پانل (CS-STR) در سال ۲۰۲۳ می‌باشد. همچنین داده‌های مربوط به ابعاد فرهنگی هافستد از سایت هافستد گلوب^۱ و سایر داده‌ها از بانک جهانی (WDI) استخراج شده است.

یافته‌های پژوهش

آزمون خطی بودن، انتخاب متغیر انتقال و نوع مدل

برای بررسی وجود رابطه خطی یا غیر خطی بین متغیرهای مدل باید بررسی شود که آیا (m تعداد پارامترهای رژیم) یک است یا خیر. لازم به ذکر است که در آزمون‌های ذیل فرض بر آن است که مدل خطی است و فرض مقابل نیز مدل CS-STR لجستیک ($m=1$) یا مدل CS-STR نمایی ($m=2$) خواهد بود. نتایج آزمون تشخیص در جدول (۱) نشان می‌دهد که خطی بودن مدل (فرض صفر) رد می‌شود؛ بنابراین رابطه غیر خطی تاثیر فرهنگ ملی بر سلامت مالی با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی هافستد در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد و قاعدتاً برای برآورد پارامترهای مدل لازم است از روش CS-STR استفاده شود.

در این صورت با فرض یک تابع انتقال دو رژیمی رابطه زیر به دست می‌آید

$$FH_t = (\theta_0 + \theta_1 FH_{t-1} + \dots + \theta_p FH_{t-p}) + (\phi_0 + \phi_1 FH_{t-1} + \dots + \phi_p FH_{t-p}) G(JE_t, \gamma, c) + u_t$$

$$G(FH_t, \gamma, c) = \frac{1}{1 + \exp\{-\gamma(JE_t - c)\}}$$

نتایج این مدل یک مدل CS-STR دو رژیمی نامیده می‌شود که پارامتر مکان c نقطه‌ای از انتقال بین دو رژیم حدی $G(JE_t, \gamma, c) = 0$ و $G(JE_t, \gamma, c) = 1$ را نشان می‌دهد که $G(JE_t, \gamma, c) = 0.5$ است. γ نشانگر سرعت انتقال بین رژیم‌ها بوده و مقادیر بیشتر γ بیانگر تغییر سریع‌تر رژیم است. جامعه آماری مطالعه حاضر کشورهای توسعه یافته برحسب طبقه بندی شاخص توسعه انسانی (HDI) در سال ۲۰۲۴ شامل؛ سوئیس، نروژ، هنگ کنگ، ایسلند، استرالیا، سوئد، آلمان، دانمارک، ایرلند، سنگاپور، هلند، فنلاند، بلژیک، نیوزلند، کانادا، انگلستان، امارات متحده عربی، لوکزامبورگ، کره جنوبی، ایالات متحده، ژاپن، اتریش، اسلونی، مالت، فرانسه، اسپانیا، قبرس، ایتالیا، جمهوری چک، استونی، یونان، بحرین، لهستان، لیتوانی، عربستان سعودی، کرواسی، پرتغال، لتونی، قطر، شیلی، آندورا، اسلواکی، مجارستان، آرژانتین، ترکیه، مونته‌نگرو، کویت، رومانی، برونئی، روسیه، اروگوئه، پاناما، عمان، گرجستان، صربستان، کاستاریکا، قزاقستان و بلاروس و کشورهای در حال توسعه شامل؛ آلبانی، الجزایر، آنگولا، ارمنستان، ازبکستان، آذربایجان

جدول (۱): نتایج آزمون فرضیه خطی بودن مدل

سطح معنی‌داری	آماره F	فرض صفر	
۰/۰۰۰	۴/۹۵۴	آزمون والد	کشورهای توسعه یافته
۰/۰۰۰	۵/۷۸۹	آزمون فیشر	
۰/۰۰۰	۴/۷۸۵	آزمون LRT	
۰/۰۰۰	۵/۵۲۶	آزمون والد	کشورهای در حال توسعه
۰/۰۰۰	۶/۴۱۲	آزمون فیشر	
۰/۰۰۰	۵/۴۹۸	آزمون LRT	

منبع: یافته‌های پژوهش

برآورد مدل در کشورهای منتخب انتخاب می‌شود. برای این منظور به پیروی از گونزالز و همکاران (۲۰۰۵) و کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶) فرضیه صفر وجود الگوی CS-STR با یک تابع انتقال در مقابل فرضیه وجود الگوی CS-STR با حداقل دو تابع انتقال مورد آزمون قرار گرفته که نتایج آن در جدول (۲) ارائه

همان‌گونه که در نتیجه آزمون انجام شده در جدول (۱) نیز مشهود است فرضیه خطی بودن رابطه بین متغیرها مردود است، بنابراین احتمال وجود رابطه خطی بین متغیرها نفی می‌گردد. همچنین لازم به ذکر است که مدل (CS-STR) پیشنهادی توسط متغیر انتقال انتخاب شده به عنوان مدل بهینه جهت

گرایی (M)، مرد گرایی (G)، جهت گیری بلندمدت (D) و اثربخشی قضایی (JE) و در کشورهای در حال توسعه؛ متغیر جهت گیری بلندمدت (D) با شاخص سلامت مالی (FH) را نشان می‌دهد. بطوریکه به ازای یک واحد افزایش در فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام گریزی، فرد گرایی، مرد گرایی، جهت گیری بلندمدت و اثربخشی قضایی به ترتیب؛ ۰/۱۱، ۰/۰۷، ۰/۰۴، ۰/۰۰۳، ۰/۰۵ و ۰/۰۸ واحد سلامت مالی در کشورهای توسعه یافته افزایش می‌یابد. برای کشورهای در حال توسعه نیز به ازای یک واحد افزایش در اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام گریزی، فرد گرایی، جهت گیری بلندمدت و اثربخشی قضایی به ترتیب؛ ۰/۰۲، ۰/۰۳، ۰/۰۵ و ۰/۰۰۳ واحد سلامت مالی افزایش می‌یابد. همچنین فاصله قدرت و بدهی دولت به ترتیب منجر به کاهش ۰/۰۸ و ۰/۰۶ واحدی سلامت مالی می‌شود.

همانطوریکه اشاره گردید؛ در کشورهایی که فاصله قدرت بالاتری دارند، تضاد بین قدرت‌مندان و ناتوانان به وجود می‌آید. در مقابل، جوامعی با فاصله قدرت کمتر، هماهنگ‌تر می‌باشند که میانگین فاصله قدرت برای کشورهای توسعه یافته ۵۴٪ و برای کشورهای در حال توسعه ۷۴٪ می‌باشد. شاخص فاصله قدرت مابین ۰ تا ۱۰۰ رتبه‌بندی شده است. هرچقدر شاخص مربوطه به سمت ۱۰۰ نزدیکتر شود، فاصله قدرت بین قدرت‌مندان و ناتوانان افزایش و هرچقدر به سمت ۰ نزدیکتر شود، این فاصله کاهش می‌یابد. بنابراین باتوجه به پایین بودن فاصله قدرت در کشورهای توسعه یافته، سلامت مالی افزایش داشته و باتوجه به بالا بودن فاصله قدرت در کشورهای در حال توسعه، سلامت مالی کاهش یافته است. اجتناب از عدم قطعیت از طریق کاهش عدم اطمینان (ابهام) و فردگرایی بالا از طریق مشارکت بیشتر در بازار و اجرای کارآمدتر قرارداد منجر به افزایش سلامت مالی می‌شود. میزان اثرگذاری مرد گرایی در کشورهای توسعه یافته نزدیک صفر و برای کشورهای در حال توسعه بی معنی می‌باشد. جهت گیری بلندمدت بخاطر صرفه‌جویی و جدیت در دستیابی به اهداف فردی و اثربخشی قضایی از طریق تضمین حاکمیت قانون و دسترسی به عدالت منجر به بهبود سلامت مالی می‌شود. سرمایه‌گذاری در عامل منابع انسانی، آموزش و تحصیلات منجر به رشد فرهنگی کشورها می‌شود که می‌تواند در بهبود سلامت مالی کشورها موثر باشد. توسعه‌ی فرهنگی به‌دنبال این است که باتوجه به فرآیند مدرنیته و مدرنیزاسیون، با یک رویکرد درونی و بومی و بهره‌مندی از پیامدهای موثر بیرونی توسعه، به شناخت عمیق باورها و ارزش‌های ملی و محلی فرهنگ جامعه‌ی خود بپردازد و باتوجه به اهمیت به نگرش‌های ملی و محلی، از خلاقیت‌های انسان در جهت رشد میراث معنوی و فرهنگی خود در دنیای حاضر بهره

شده است. نتایج نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر کفایت لحاظ نمودن یک تابع انتقال در هر دو حالت وجود یک و دو حد آستانه‌ای رد نشده است. بنابراین یک تابع انتقال قادر به تصریح رفتار غیر خطی فرهنگ ملی بر سلامت مالی با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی هافستد می‌باشد.

جدول (۲): آزمون وجود رابطه غیرخطی باقیمانده

حالت وجود یک حد آستانه M=1			حالت وجود دو حد آستانه M=2		
کشورهای توسعه یافته					
LMw	LMf	LR	LMw	LMf	LR
۱/۳۲۴ (۰/۷۴۵)	۱/۴۱۹ (۰/۶۳۲)	۱/۴۲۳ (۰/۶۵۲)	۱/۳۲۵ (۰/۶۷۸)	۱/۳۷۸ (۰/۷۵۶)	۱/۲۴۱ (۰/۸۱۲۳)
کشورهای در حال توسعه					
LMw	LMf	LR	LMw	LMf	LR
۱/۳۶۷ (۰/۶۱۲)	۱/۵۱۷ (۰/۵۸۹)	۱/۳۳۰ (۰/۷۹۶)	۱/۱۱۱ (۰/۸۲۳)	۱/۳۴۸ (۰/۷۵۱)	۱/۴۱۹ (۰/۶۱۲)
H0: r=1, H1: r=2					

منبع: یافته‌های پژوهش

با تأیید وجود رابطه غیر خطی میان متغیرها و کفایت نمودن یک تابع انتقال برای تصریح رفتار غیرخطی در ادامه باید حالت بهینه میان تابع انتقال با یک یا دو حد آستانه‌ای انتخاب گردد. برای این منظور مدل CS-STR متناظر با هر یک از این حالت‌ها برآورد خواهد شد و از میان آنها بر اساس معیارهای مجموع مجذور باقی مانده‌ها، شوارتز و آکائیک مدل CS-STR با لحاظ یک حد آستانه‌ای مدل بهینه است. لذا یک مدل CS-STR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای برای بررسی رفتار غیر خطی میان متغیرهای مورد مطالعه انتخاب می‌گردد.

نتایج تخمین مدل

با استفاده از یک مدل CS-STR که در آن متغیر انتقال اثربخشی قضایی (JE) است، تابع تحلیل فرهنگ ملی بر سلامت مالی با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی هافستد در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مدل‌سازی می‌شود. نتایج برآورد قسمت خطی مدل (رژیم اول) برای کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که متغیرهای، فاصله قدرت (H)، اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام گریزی (CI)، فرد گرایی (M)، جهت گیری بلندمدت (D) و اثربخشی قضایی (JE) و در کشورهای در حال توسعه؛ متغیر جهت گیری بلندمدت (D) رابطه مثبت با سلامت مالی (FH) دارند. همچنین نتایج برآورد قسمت غیرخطی مدل (رژیم دوم) برای کشورهای توسعه یافته نشان از وجود رابطه مثبت متغیرهای فاصله قدرت (H)، اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام گریزی (CI)، فرد

مقایسه ضرایب در دو رژیم مختلف بر اساس متغیر انتقال و مقادیر آن صورت می‌پذیرد و مقدار متغیر انتقال می‌تواند تابع انتقال و در نتیجه رژیم حاکم را تعیین نماید. در تخمین فوق متغیر انتقال اثربخشی قضایی (JE) می‌باشد که مقدار حد آستانه برآورد شده برای این متغیر در کشورهای توسعه یافته برابر با ۰/۱۴ و کشورهای درحال توسعه ۰/۱۳ درصد بوده است. بر اساس فاصله اثربخشی قضایی از این مقدار آستانه الگو از دو رژیم حدی مختلف تبعیت می‌نماید. با مقایسه ضرایب الگو در دو رژیم مختلف ملاحظه می‌گردد که با عبور اثربخشی قضایی از حد آستانه (۰/۱۴) و سلامت مالی کشورها به تغییرات این متغیر افزایش یافته، بدین ترتیب که هر چه اثربخشی قضایی بیشتر شده است، سیاست-گذاران تلاش کرده‌اند که با عکس‌العمل بیشتر به آن، رشد فساد مالی را کنترل نموده و از افزایش آن جلوگیری کنند.

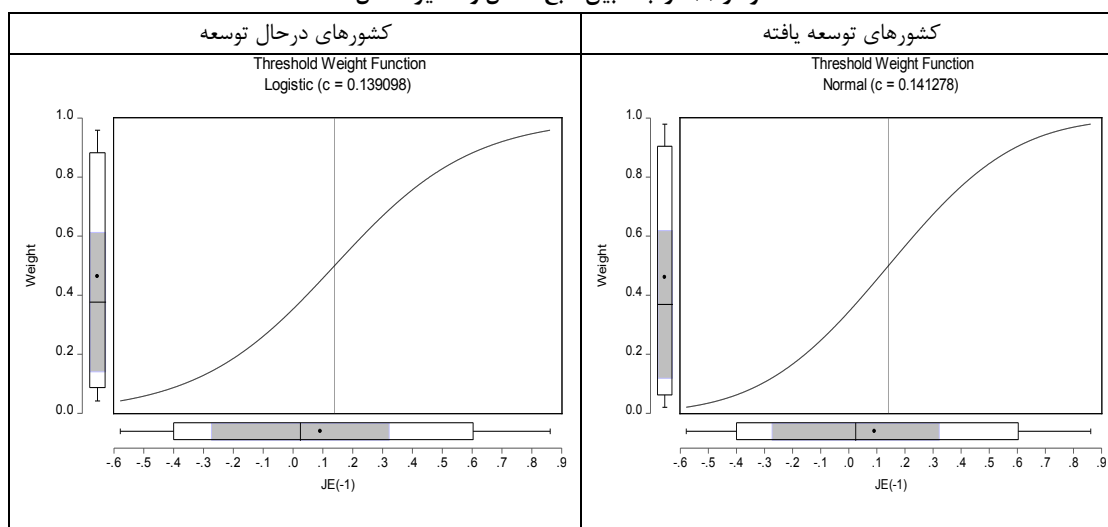
برود و به اشاعه و تقویت آن دسته از رفتارهای فرهنگی که نشأت گرفته از ارزش‌های بومی و ملی است، بپردازد. توسعه‌ی فرهنگی، در قالب اهمیت دادن به ارزش‌های محلی و ملی، باید بتواند از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی، به نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه‌ی خود پاسخ دهد تا از این طریق، ایده‌ها، افکار و آداب‌ورسوم ملی و بومی جامعه‌ی خود را، در قالب ارتباطات نمادین فرهنگی و نشانه‌های ملی و بومی در عصر حاضر، همپای سایر فرهنگ‌های جوامع موثر در جهان اشاعه دهد. به یک اعتبار، توسعه‌ی فرهنگی را می‌توان نتیجه و حاصل توسعه‌ی عمومی دانست. هدف‌های توسعه و روش‌های دستیابی به این هدف‌ها، معرف انتخاب‌ها و گزینش‌هایی است که در زمینه‌ی ارزش‌ها به عمل می‌آید. این گزینش‌ها با کل نظام اجتماعی اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند.

جدول (۳): برآورد الگو به وسیله مدل CS-STR

کشورهای توسعه یافته		کشورهای درحال توسعه	
برآورد قسمت خطی مدل			
متغیر	ضریب	احتمال	احتمال
عرض از مبدا	C	۰.۳۴۲۲۵	۰.۴۲۴۱۵
فاصله قدرت	H	۰.۰۵۶۲۳	-۰.۰۵۲۳۶
اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی	CI	۰.۰۴۲۳۵	۰.۰۱۲۳۵
فردگرایی	M	۰.۰۶۷۸۵	۰.۰۱۸۵۳
مردگرایی	G	۰.۰۰۱۳۲	۰.۰۴۵۲۶
جهت‌گیری بلندمدت	D	۰.۰۳۴۸۷	۰.۰۴۶۵۸
لذت‌جویی در مقابل خویشتنداری	P	۰.۱۲۳۶۴	۰.۱۸۷۴۵
بدهی دولت	PD	-۰.۰۰۲۵۶	-۰.۰۲۳۶۵
اثربخشی قضایی	JE	۰.۰۶۵۹۸	۰.۰۷۸۹۵
برآورد قسمت غیرخطی مدل			
عرض از مبدا	C	۰.۰۶۵۲۳۵	۰.۰۴۹۸۶۵
فاصله قدرت	H	۰.۱۱۵۴۲	-۰.۰۸۵۴۱
اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی	CI	۰.۰۷۸۹۸	۰.۰۲۳۲۴
فردگرایی	M	۰.۰۴۲۳۶	۰.۰۳۶۸۹
مردگرایی	G	۰.۰۰۰۳۲	۰.۰۵۸۹۸
جهت‌گیری بلندمدت	D	۰.۰۵۶۳۲	۰.۰۵۲۶۴
لذت‌جویی در مقابل خویشتنداری	P	۰.۰۰۴۵۲	۰.۰۴۵۲۱
بدهی دولت	PD	-۰.۰۰۱۴۳	-۰.۰۶۳۵۲
اثربخشی قضایی	JE	۰.۰۸۵۶۱	۰.۰۰۳۲۵
(C) حد آستانه‌ای		۰.۱۴۱۲۷	۰.۱۳۹۰۹۸
(γ) پارامتر شیب		۰.۵۷۴۸۵	۰.۶۵۳۲۵
ضریب تعدیل شده $(\gamma R) = ۰.۸۵$		ضریب تعدیل شده $(\gamma R) = ۰.۸۳$	

منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار (۱): ارتباط بین تابع انتقال و متغیر انتقال



منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون‌های تشخیصی

در مطالعه حاضر از آزمون دوربین واتسون برای بررسی خودهمبستگی استفاده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۴ مشهود است، نتایج آزمون خودهمبستگی دوربین واتسون نشان می‌دهد، بین اجزای اخلاص همبستگی وجود ندارد، بنابراین فرض سوم استاندارد کلاسیک مبنی بر عدم خودهمبستگی بین جملات خطا نقض نمی‌گردد. از این رو تخمین‌زنده‌ها از ویژگی‌های لازم (حداقل واریانس و کارایی) برخوردارند.

یکی دیگر از فرض استاندارد کلاسیک فرض واریانس همسانی می‌باشد، در مطالعه حاضر از آزمون بروش - پاگان - گادفری استفاده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌گردد، نتایج آزمون حکایت از عدم وجود ناهمسانی واریانس دارند.

آزمون ثابت ماندن ضرایب بین دو رژیم

از دیگر سنجه‌های مناسب برای ارزیابی کیفیت مدل تخمین زده شده، بررسی تغییرات ضرایب بین دو رژیم است. در صورتی که مدل برآورد شده تخمین مناسبی باشد، انتظار می‌رود ضرایب با تغییر رژیم ثابت و بدون تغییر باقی بمانند.

جدول (۴): نتایج آزمون خودهمبستگی

دوربین واتسون	Prob	آماره F	
۲/۱۲	۰/۶۹۳	۱/۰۳۲	کشورهای توسعه یافته
۲/۲۳	۰/۶۸۴	۱/۰۴۷	کشورهای در حال توسعه

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۵): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

بروش - پاگان - گادفری	Prob	آماره F	
۱/۲۹۸	۰/۵۵۲	۱/۱۴۷	کشورهای توسعه یافته
۱/۳۵۴	۰/۶۳۲	۱/۱۲۳	کشورهای در حال توسعه

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۶ مشهود است، آزمون ثابت ماندن ضرایب بین دو رژیم نشان می‌دهد ضرایب در اثر تغییر رژیم تغییر نمی‌کنند.

جدول (۶): نتایج آزمون ثبات پارامتر انتقال هموار

Prob	آماره F	فرض صفر	
۰/۷۹۶	۰/۶۳۱	$b_1=b_2=b_3=b_4=0$	کشورهای توسعه یافته
۰/۵۸۹	۰/۷۱۵	$b_1=b_2=b_3=0$	
۰/۷۹۱	۰/۶۳۴	$b_1=b_2=0$	
۰/۵۱۲	۰/۸۴۷	$b_1=0$	
۰/۸۵۲	۰/۶۱۲	$b_1=b_2=b_3=b_4=0$	کشورهای در حال توسعه
۰/۶۸۹	۰/۶۸۷	$b_1=b_2=b_3=0$	
۰/۶۵۸	۰/۷۰۱	$b_1=b_2=0$	
۰/۵۵۲	۰/۷۶۳	$b_1=0$	

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه گیری

افزایش سطح دانش و مهارت‌های افراد، شرط لازم برای از بین بردن عقب‌ماندگی اقتصادی و ظرفیت‌های استفاده نشده اقتصادی و ایجاد انگیزه‌های لازم برای پیشرفت است. امروزه اکثر اقتصاددانان بر این باور هستند که کمبود سرمایه‌گذاری در فرهنگ، سرمایه‌های انسانی عامل اصلی پائین بودن سطح سلامت مالی در کشورهای در حال توسعه است و تا زمانی که این کشورها با استفاده از دانش و فرهنگ، سطح مهارت‌های حرفه‌ای جامعه را ارتقا ندهند، بازدهی و کارایی نیروی کار و سرمایه در سطح نازلی باقی خواهد ماند و سلامت مالی به کندی و با هزینه‌های سنگین‌تر صورت می‌پذیرد. با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی همواره در حال بهبود و توسعه بوده است؛ پرداختن به مفاهیم اقتصادی می‌تواند در ارائه و فهم تحلیل‌های اقتصادی به افراد کمک کند. افزایش آگاهی و سواد اقتصادی در تمام قشرها می‌تواند جامعه را در تغییر سبک زندگی کمک شایان توجهی کند. یکی از موضوعاتی که می‌تواند کشور را در برابر بحران‌ها بیمه کند، موضوع افزایش آگاهی‌های مردم نسبت به واقعیت‌های جامعه است. بین اقتصاد و فرهنگ چند رابطه وجود دارد، در واقع یک ترکیب مضاف بین اقتصاد و فرهنگ وجود دارد. رفتارهای مردم، نحوه نگرش آنها به مسائل و از جمله اقتصاد، بعنوان یکی از مهم‌ترین شئون زندگی در جامعه را نشان می‌دهد. تمامی رفتارهای اقتصادی ما از فرهنگ برگرفته شده است. بعنوان نمونه در غالب بهره‌وری بالا یا در مصرف پایین و بهینه و حتی نحوه ورود و خروج به بازارها و به عنوان یک نمونه عینی، اقدام ما در ورود به بازار، بارزترین نمونه‌ی تاثیر فرهنگ در اقتصاد است. می‌توان گفت فرهنگ به عنوان گنجینه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشری که باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مورد قبول یک جامعه را در طول تاریخ بوجود آورده است، نوع رفتار مردم آن جامعه را

مشخص می‌کند. بدیهی است که نمی‌توان بدون اعتنا به این مقوله مهم، بدنبال ایجاد تغییراتی در ابعاد مختلف جامعه بود چرا که هرگونه تغییر و تحولی در تمامی ابعاد جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منوط به نوعی پذیرش فرهنگی در جامعه می‌باشد. بنابراین بدون ایجاد بستر مناسب فرهنگی نمی‌توان بدنبال تحقق توسعه در ابعاد دیگر جامعه بود.

در مطالعه حاضر به مقایسه تاثیر فرهنگ ملی بر سلامت مالی با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی هافستد در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته با استفاده از مدل غیرخطی مقطعی آستانه‌ای انتقال ملایم (CS-STR) بر اساس داده‌های مقطعی برای ۵۰ کشور در حال توسعه و ۵۸ کشور توسعه یافته در سال ۲۰۲۳ پرداخته شد. نتایج برآورد قسمت غیرخطی مدل (رژیم دوم) برای کشورهای توسعه یافته نشان از وجود رابطه مثبت متغیرهای فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی، فرد گرایی، مرد گرایی، جهت‌گیری بلندمدت و اثربخشی قضایی و در کشورهای در حال توسعه؛ متغیر جهت‌گیری بلندمدت با شاخص سلامت مالی را نشان می‌دهد. بطوریکه به ازای یک واحد افزایش در فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی، فرد گرایی، مرد گرایی، جهت‌گیری بلندمدت و اثربخشی قضایی به ترتیب؛ ۰/۱۱، ۰/۰۷، ۰/۰۴، ۰/۰۰۰۳، ۰/۰۵ و ۰/۰۸ واحد سلامت مالی در کشورهای توسعه یافته افزایش می‌یابد. برای کشورهای در حال توسعه نیز به ازای یک واحد افزایش در اجتناب از عدم اطمینان یا ابهام‌گریزی، فرد گرایی، جهت‌گیری بلندمدت و اثربخشی قضایی به ترتیب؛ ۰/۰۲، ۰/۰۳، ۰/۰۵ و ۰/۰۰۳ واحد سلامت مالی افزایش می‌یابد. همچنین فاصله قدرت و بدهی دولت به ترتیب منجر به کاهش ۰/۰۸ و ۰/۰۶ واحدی سلامت مالی می‌شود.

قانونی بودن و مشروعیت در ارتباط نزدیکی با مفاهیمی همچون عدالت، تبهکاری، رفع تعارض، خشونت اجتماعی، صلح

فهرست منابع

- افقه، سید مرتضی (۱۴۰۰)، انسان توسعه یافته، پیشران توسعه جوامع بشری نسخه‌ای برای ایران، انتشار: تهران: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات،
- حقیقی، ایمان و مرتضوی کاخکی (۱۳۹۱)، آثار بازتوزیع فرصت‌ها بر نابرابری درآمدی؛ تحلیل تعادل عمومی محاسبه پذیر. تحقیقات مدل سازی اقتصادی، سال ۲، شماره ۵، ۵۱-۷۳.
- زبیری، هدی، کریمی موغاری، زهرا و ابونوری، اسماعیل (۱۳۹۱)، بررسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال ۱۶، شماره ۴، ۱۸۳-۲۱۴.
- زبیری، هدی و کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۲)، اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی (مطالعه بین کشوری با رویکرد داده های تابلویی)، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۴، شماره ۱۴.
- عرب پور، الهام و مهدی زاده، شراره (۱۳۹۹)، فراتحلیل مطالعات نظم و انسجام اجتماعی در ایران، دو فصلنامه پژوهش های جامعه‌شناسی معاصر، سال ۹، شماره ۱۷، ۱۱۳-۷۳.
- محمدی، فواد، سیف اللهی، سیف اله، سید میرزایی، سید محمد (۱۳۹۹)، بررسی و مطالعه جامعه شناختی ساختار توزیع فرصت ها و امکانات (مورد مطالعه استان کردستان)، پژوهش های جامعه شناختی دوره ۱۴، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۴۸)
- مؤیدفر، رزیتا، اکبری، نعمت الله و دلیری، حسن (۱۳۸۸)، اثر متقابل و پویای سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، مطالعات اقتصاد بین الملل، دوره ۲۰، شماره ۳۵، ۲۱-۳۸.
- مسی نژاد، عباس (۱۴۰۰)، سندروم های سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی در ایران، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۴، ۲۰۷-۲۳۰.
- Allam, A., Moussa, T., Abdelhady, M., & Yamen, A. (2023). National culture and tax evasion: The role of the institutional environment quality. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 52, 100559.
- Arant, R., Larsen, M., & Boehnke, K. (2021). Acceptance of Diversity as a Building Block of Social Cohesion: Individual and Structural Determinants. *Frontiers in psychology*, 594.
- Anchorena & Fernando (2008). Social Ties and Economic Development; Working Paper, Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1123767>
- و امنیت و حقوق بشر، ثبات اقتصادی و سیاسی که از مولفه‌های فرهنگ به شمار می رود، قرار دارد که می‌تواند نقش سازنده‌ای در جهت افزایش سلامت مالی کشورها داشته باشد. اگر چه سطوح بالای فساد و پایین بودن سلامت مالی به‌عنوان یک شاخص در کشورهای در حال توسعه پذیرفته شده است، اما در عین حال ابعاد و اشکال مختلف آن به طور مداوم در تمامی کشورهای جهان رخ می‌دهد؛ چرا که یک اصل مسلم و پذیرفته شده وجود دارد که فساد به منطقه یا کشوری خاص یا سطوحی مشخص از میزان توسعه یافتگی محدود نیست. نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به وجود آورنده و تشدید کننده فساد هستند. چنان چه عملکرد اقتصادی کشوری در سطح پایین بوده و یا این که سیاست آن کشور بر پایه استبداد و دیکتاتوری قرار گرفته و یا زمانی که برخی از افراد چه از لحاظ نژادی و قومی، مذهبی یا اقلیتی مورد تبعیض قرار گیرند، به طور حتم در آن کشور فساد به صورت فزاینده‌ای رشد کرده و حالت اپیدمی به خود می‌گیرد. گسترش و شیوع عارضه فساد در هر جامعه‌ای دارای آثار و پیامدهای ناگوار بسیاری است. فساد با تضعیف انگیزه‌ها، سبب زیان‌های اجتماعی و فرهنگی، با تضعیف نهادهای موجود، باعث زیان‌های سیاسی و با توزیع ناعادلانه منابع و ضد توسعه بودن، سبب زیان‌های اقتصادی و درآمدی شدید می‌شود. این عوارض مخرب، لزوم مبارزه‌ای فراگیر در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را صد چندان می‌کند. فساد، کارآیی فعالیت‌های اقتصادی را از طریق توجه به اعمال فاسد می‌کاهد و کاهش کارآیی، به فساد بیش‌تر خواهد انجامید و بین کاهش کارآیی و افزایش فساد دور باطلی ایجاد می‌شود که نتیجه آن، حاکمیت گسترده فساد و عوارض ناشی از آن و شکل‌گیری انگیزه‌های فاسد است. مطالعات به‌عمل‌آمده در این زمینه نشان می‌دهد که تغییرات تعدیل نشده در متغیرهای ساختاری به همراه سیاست‌های ناسازگار پولی و مالی دولت‌ها، موجب بروز مشکلاتی در این مسائل می‌گردد و زمینه را برای کسب سلامت مالی با مشکل مواجه می‌سازد. محروم‌سازی‌های اجتماعی که مشارکت شهروندان را با «دولت خوب» از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محدود می‌کند، متناقض با مفهوم نظر تئوریک شاخص‌های فرهنگی می‌باشد و جایگاهی در کشورها ندارد. ترویج جامعیت می‌تواند جبران خسارتی برای توانمندسازی گروه‌هایی که در طول تاریخ در حاشیه (گروه‌هایی که در مرحله دوم اولویت و اهمیت) قرار گرفته‌اند، باشد. از این رو جامعیت تا حد زیادی مرتبط با موضوع توانمندسازی و عدم تمرکز است.

- Saunoris, J. W. (2024). Individualism, economic freedom, and the development of the shadow economy. *Economic Systems*, 48(1), 101168.
- Woolcok (2011). " What Distinctive Contribution Can Social Make to Development Theory, Research and Policy", Paper presented at International Conference on Social Cohesion and Development, 20-21 January 2011, OECD Center Conference, Paris
- Borisov & Vinogradov (2018). The Role of Social Cohesion in Social and Economic Processes, Business and Management Sciences: New Challenges in Theory and Practice, Godollo, pp. 521
- Dickes, P., Valentova, M., & Borsenberger, M. (2011). A multidimensional assessment of social cohesion in 47 European countries.
- Espig, A., Mazzini, I. T., Zimmermann, C., & de Carvalho, L. C. (2021). National culture and innovation: a multidimensional analysis. *Innovation & management review*, 19(4), 322-338.
- Fahad (2019). Business School, University of International Business and Economics (UIBE), Beijing, China Volume: 3, Issue: 4 Page: 39-60
- Fiedler, C., & Rohles, C. (2021). Social cohesion after armed conflict: A literature review (No. 7/2021). Discussion Paper.
- Fonseca, X., Lukosch, S., & Brazier, F. (2019). Social cohesion revisited: a new definition and how to characterize it. *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 32(2), 231-253.
- Heydari, A., Laroche, M., Paulin, M., & Richard, M. O. (2021). Hofstede's individual-level indulgence dimension: Scale development and validation. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 62, 102640.
- Leininger et al. (2021). : Social cohesion: A new definition and a proposal for its measurement in Africa, Discussion Paper, No. 31/2021, ISBN 978-3-96021-174-7, Deutsches Institut für Entwicklungspolitik (DIE), Bonn,
- Jenson, J. (2019). Intersections of pluralism and social cohesion. Global Centre for Pluralism, 1-29.
- Opoku-Okuampa, I. Y. (2024). The Influence of Cultural Factors on Financial Decision-Making in Ghana. *International Journal of Finance and Banking Research*, 10(6), 118-125.
- King, R. B., Li, J., & Leung, S. O. (2023). The cultural correlates of learning poverty: The roles of long-term orientation and power distance. *International Journal of Intercultural Relations*, 95, 101816.
- Peragine, V., & Biagi, F. (2019). Equality of opportunity: theory, measurement and policy implications (No. JRC118542). Joint Research Centre (Seville site).
- Puspasari, O. R., Hamzah, A., & Martika, L. D. (2024). Cultural Insights: Financial And Accounting Literacy In Coastal Regions. *JRAK: Jurnal Riset Akuntansi dan Komputerisasi Akuntansi*, 15(2), 16-30.
- Plikynas, D., Miliuskas, A., Laužikas, R., Dulskis, V., & Sakalauskas, L. (2022). The cultural impact on social cohesion: an agent-based modeling approach. *Quality & Quantity*, 1-32.
- Rahmania, T., Wulandari, S. S., & Marfu, A. (2024). Sustainable financial institution in Indonesia: An empirical analysis of social-cultural context, nepotism, and moral hazard on the shaping of non-performing loans. *Sustainable Futures*, 8, 100279.



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 16/ No. 64/ Winter 2027

Comparing the Impact of National Culture on Financial Health Considering Hofstede's Cultural Dimensions in Developing and Developed Countries

Fatemeh Ahmadi

Department of accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran
ahmadi.math.59@gmail.com

Azam Shokri Cheshme Sabzi -Corresponding Author

Assistant Professor, Department of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran
shokri1551@gmail.com

Seyyed Hossein Hosseini

Assistant Professor, Department of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran
hoseinhoseiny@gmail.com

Abstract

The aim of this paper is to compare the impact of national culture on financial health considering Hofstede's cultural dimensions. For this purpose, the nonlinear cross-sectional soft transition threshold (CS-STR) model was used based on cross-sectional data for 50 developing countries and 58 developed countries in 2023. The results of estimating the nonlinear part of the model (second regime) for developed countries show that for a one-unit increase in power distance, uncertainty avoidance, individualism, masculinity, long-term orientation, and judicial effectiveness, financial health increases by 0.11, 0.07, 0.04, 0.0003, 0.05, and 0.08 units in developed countries, respectively. For developing countries, for every one unit increase in uncertainty avoidance, individualism, long-term orientation, and judicial effectiveness, financial health increased by 0.02, 0.03, 0.05, and 0.003 units, respectively. Also, the power gap and government debt lead to a decrease of 0.08 and 0.06 units in financial health in developing countries, respectively. In countries with a higher power gap, conflicts arise between the powerful and the powerless. In contrast, societies with a lower power gap are more harmonious, with an average power gap of 54% for developed countries and 74% for developing countries. Uncertainty avoidance through reduced uncertainty (uncertainty) and high individualism through greater participation in the market and more efficient contract enforcement lead to increased financial health. Long-term orientation towards thrift and seriousness in achieving individual goals and judicial effectiveness through ensuring the rule of law and access to justice leads to improved financial health.

Keywords: National culture, financial health, developing countries, developed countries, threshold approach model of the panel.

